

جهت‌گیری دینی پدر و ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده

أم کلثوم شرفی^۱، مسعود حسینیچاری^{۱*}

تاریخ وصول: ۹۱/۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه جهت‌گیری دینی پدر با ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده در دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه انجام شد.

روش بررسی: نمونه‌ای مشتمل بر ۳۶۰ دانش‌آموز و پدران آنها، که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، در پژوهش مشارکت داشتند. پرسشنامه الگوهای ارتباطات خانواده توسط دانش‌آموزان و پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، توسط پدران دانش‌آموزان تکمیل شدند.

یافته‌ها: نتایج کلی حاکی از آن بود که جهت‌گیری دینی پدر به صورت مثبت، ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی می‌کند. ابعاد عقاید-مناسک و اخلاق از جهت‌گیری دینی پدر به صورت مثبت ادراک فرزندان از بعد گفت و شنود الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین ابعاد عقاید-مناسک و اخلاق از جهت‌گیری دینی پدر به صورت مثبت ادراک فرزندان از بعد هم‌نوابی الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند. بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر الگوهای ارتباطی خانواده تفاوتی مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: اینکه پدر دارای کدام جهت‌گیری دینی باشد در ادراک فرزندان وی از الگوهای ارتباطی خانواده مؤثر است. این نوشتار با بحث از یافته‌های پژوهش، اشاره به مضامین عملی و علمی نتایج و ارائه پیشنهادهایی برای پژوهش بیشتر بر خود مهربان می‌زند.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، الگوهای ارتباطی خانواده، هم‌نوابی.

مقدمه

ارسال و دریافت اطلاعات از طریق علائم و نشانه‌ها است (۴). این اطلاعات شامل کلمات، حرکات غیر کلامی، نگرش‌ها و حالات می‌باشد. به عبارت ساده چنین گفته می‌شود: که ارتباط در بردارنده این است که چه کسی می‌گوید؟ چه می‌گوید؟ به چه طریق می‌گوید؟ و برای چه کسی با چه درجه‌ای از تأثیر پیام می‌فرستد. گاهی ارتباط به صورت کلامی است؛ یعنی با گوش شنیده می‌شود و در بیان آن، دستور زبان رعایت می‌گردد. گاهی هم ارتباط به صورت غیر کلامی است؛ یعنی گفته‌ای در آن وجود ندارد و پیام بیشتر از طریق ایما و اشاره‌ها و حالات، مبادله می‌شود. ارتباط درون خانواده معمولاً شامل ارتباط والدین با یکدیگر، والدین با فرزندان و فرزندان با یکدیگر است و هر کدام از این انواع ارتباطها می‌تواند تأثیرات شخصی و شخصیتی در افراد ایجاد کند (۳). ارتباطات چه به صورت کلامی و چه غیر کلامی، گاهی مستقیم، واضح، صریح و صمیمانه است و پیوند بین اعضا را انعطاف‌پذیرتر، انسانی‌تر، امیدبخش‌تر و گاهی نارسا، پیچیده و آمیخته با دروغ است که درک آن مشکل‌تر و میزان

خانواده، کوچک‌ترین واحد تشکیل دهنده هر جامعه دانسته شده است که حداقل از زن و شوهر تشکیل می‌گردد و با فرزندان تکمیل می‌شود و معمولاً با هم زندگی می‌کنند (۱). طبق تعریفی دیگر، خانواده را می‌توان به عنوان یک سیستم در نظر گرفت که از بخش‌های مرتبط به هم تشکیل شده است و هر بخش بر بخش‌های دیگر تأثیر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد (۲). برای تحقق اهداف یک خانواده، اعضای آن وظایف و مسؤولیت‌های مشترک و ویژه‌ای دارند که انجام این وظایف و مسؤولیت‌ها در گرو داشتن ارتباط سالم و سازنده با یکدیگر است. منظور از ارتباط؛ یعنی مفهومی که از عالم درونی فردی برخاسته است به فرد دیگری رسیده و هر دو، برداشت صحیح و یکسان از آن مفهوم داشته باشند (۳). ارتباط فرآیندی است که

۱. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
 *نویسنده مسؤول (Email: hchhari@shirazu.ac.ir)

همنوايي کم است. موضوعات به صورت باز و سرگشاده مطرح می‌شوند و همه اعضای خانواده در گفتگوها شرکت دارند. پدر و مادر ضرورتی برای کنترل فرزندان یا تصمیم‌گیری در مورد آنها نمی‌بینند، گرایش به پذیرش باورهای فرزندان خود دارند و اجازه می‌دهند به طور برابر در تصمیم‌گیری‌ها خانواده شرکت داشته باشند (۵). فرزندان در این خانواده‌ها ضمن احترام به دیدگاه‌های پدر و مادر، مستقل و خودمختار هستند. خانواده‌های محافظت‌کننده^۳، که دارای گفت و شنود کم و هم‌نوايي زيادي هستند، سومین نوع خانواده هستند. در این خانواده‌ها بر پیروی از مرجع قدرت تأکید می‌شود و به تفکر، خردورزی و ارتباطات باز اهمیت چندانی داده نمی‌شود. پدر و مادر بر این باورند که آنها باید برای خانواده و فرزندانشان تصمیم بگیرند و دلیلی نمی‌بینند در زمینه تصمیمات خود به فرزندانشان توضیح دهند (۵). آخرین و چهارمین نوع، خانواده‌های بی‌قید^۴ هستند، که گفت و شنود و هم‌نوايي پاييني دارند. میزان تعاملات میان اعضای خانواده کم است و معمولاً درباره شمار محدودی از موضوعات گفتگو می‌شود. در خانواده‌های بی‌قید، پدر و مادر بر این باورند که همه اعضای خانواده باید توانایی تصمیم‌گیری داشته باشند، اما برخلاف خانواده‌های کثرت‌گرا به تصمیم‌های فرزندان خود و برقراری ارتباط و گفت‌وگو با آنها علاقه‌ای نشان نمی‌دهند (۵). بدین‌سان در چهار نوع خانواده پیش‌گفته (توافق‌کننده، کثرت‌گرا، محافظت‌کننده، و بی‌قید) میزان گفت و شنود و هم‌نوايي مختلف است و بر اساس این الگوهای ارتباطی مختلف، پیامدهای تربیتی، اجتماعی، روانی و معنوی متفاوتی قابل انتظار است.

از جمله مباحث حائز اهمیت در پژوهش‌های تربیتی، توجه به پیشیندها و عوامل زمینه‌ساز و تقویت‌کننده الگوهای ارتباطی است. عوامل زيادي بر الگوهای ارتباطی درون خانواده اثر می‌گذارند که یکی از این عوامل جهت‌گیری دینی است. با سخن به میان آمدن از جهت‌گیری دینی نیاز به توضیح این مفهوم و ارتباط آن با سایر مفاهیم حوزه دینی ضرورت پیدا می‌کند. در کتب لغت، معانی بسیاری برای واژه دین ذکر شده است مانند ملک و پادشاهی، طاعت و انقیاد، قهر و سلطه، پاداش و جزا، عزت و سرافرازی، اکراه و احسان، همبستگی، فروتنی، اسلام و توحید، عادت و روش، ریاست و فرمانبرداری و نظایر آن (۸). طباطبایی، دین را مجموعه‌ای از عقاید و سلسله دستورهای عملی و اخلاقی می‌داند که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند، که اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در دو

آسیب‌زایی آن بیشتر از حد معمول است و روابط را در بین افراد مخدوش می‌کند (۳).

نوع رفتارهای ارتباطی حاکم بر خانواده را می‌توان تابعی از نوع ساختار خانوادگی دانست. در رفتارهای ارتباطی، جهت‌گیری‌های خاصی قابل طرح است. جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوايي به عنوان اساسی‌ترین جهت‌گیری‌هایی هستند که تعیین‌کننده تبادل افکار و احساسات اعضای خانواده با همدیگرند. کوثرنر و فیتزپاتریک (۵) اولین بعد اساسی ارتباطات خانواده را جهت‌گیری گفت و شنود و مکالمه می‌دانند. منظور از گفت و شنود این است که خانواده‌ها تا چه حد شرایطی را به وجود می‌آورند که در آن تمام اعضای خانواده به شرکت آزادانه و راحت در تعامل و بحث در زمینه طیف گسترده‌ای از موضوعات تشویق می‌شوند. اعضای خانواده‌هایی که دارای گفت و شنود زیاد هستند آزادانه، به طور مکرر و خودانگیخته با یکدیگر تعامل می‌کنند، دامنه وسیعی از موضوعات را مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌دهند، و مدت زمان زيادي را صرف تعاملات خود می‌کنند (۶).

فیتزپاتریک و ریچی (۷) بعد مهم دیگر ارتباط خانواده‌ها را جهت‌گیری هم‌نوايي می‌دانند. وضعیت هم‌نوايي به این معنا است که ارتباطات خانواده تا چه حد شرایط همسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید را مورد تأکید قرار می‌دهند. خانواده‌های با هم‌نوايي زياد در تعاملات خود بر همسانی عقاید و نگرش‌ها تأکید دارند. تعاملات آن‌ها بر هم‌نوايي، اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل اعضای خانواده به یکدیگر مبتنی است. ارتباطات بین دو نسل در این خانواده‌ها منعکس‌کننده حرف شنوی از والدین و دیگر بزرگسالان است. بر عکس، تعاملات خانواده‌های با هم‌نوايي پاييني بر اهمیت دادن به نگرش‌ها و عقاید ناهمگون، فردیت و استقلال اعضای خانواده تمرکز دارد و ارتباطات بین دو نسل منعکس‌کننده برابری اعضای خانواده است؛ یعنی معمولاً فرزندان در تصمیم‌گیری دخالت دارند (۶).

از ترکیب دو بعد اساسی جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوايي، چهار نوع خانواده که هر کدام الگوهای ارتباطی متفاوتی دارد، حاصل می‌شود. نوع اول، خانواده‌های توافق‌کننده^۱ است. این خانواده‌ها گفت و شنود و هم‌نوايي بالا دارند. پدر و مادر ضمن علاقه فراوان به فرزندان و اظهار نظرهای آنان، خودشان تصمیم‌گیرنده نهایی خانواده به شمار می‌روند (۵). فرزندان این خانواده‌ها یاد می‌گیرند برای گفت و شنودهای خانواده ارزش قابل باشند و ارزش‌ها و عقاید والدین خود را به کار ببندند (۶). خانواده کثرت‌گرا^۲ دومین نوع هستند که در آنها گفت و شنود زياد، و

3. Protective
4. Laissez - faire

1. Consensual
2. Pluralistic

گرایش مذهبی درونی هستند، دینی را که پذیرفته‌اند درونی کرده و آن را تمام و کمال در زندگی خود به کار می‌گیرند، اینها افرادی هستند که با الگوی رفتاری و اعتقادی مذهبشان زندگی می‌کنند و مذهب را فلسفه زندگی خود می‌دانند. از جانب دیگر، افرادی که دارای گرایش مذهبی بیرونی هستند، مذهب را به منزله وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود مورد استفاده قرار می‌دهند و بیشتر تحت تاثیر اجبار اجتماعی، مذهب را می‌پذیرند و برای کسب منافع مادی و حفظ موقعیت اجتماعی به اعمال مذهبی مبادرت می‌ورزند (۱۶). این تقسیم‌بندی مبنا و محرک پژوهش‌های روان‌شناختی زیادی در حوزه دین و رفتار دینی شده است؛ مثلاً و تئیس دریافت که جهت‌گیری درونی اساساً با فقدان اختلالات روانی، آزادی از نگرانی و گناه و رفتار اجتماعی مناسب همبسته است، در حالی که جهت‌گیری بیرونی با وجود اختلالات روانی، نگرانی و گناه و رفتار اجتماعی نامناسب همبستگی دارد (۱۷). مک کرومیک، هوئکنم و اسمیت نیز دریافتند که بین جهت‌گیری مذهبی و هسته کنترل همبستگی مثبت وجود دارد (۱۸). البته برخی از نظریه پردازان از تقسیم بندی آلپورت انتقاد کرده‌اند و معتقدند که جهت‌گیری مذهبی افراد در پیوستاری از باورها قرار دارد که از جهت‌گیری مذهبی بیرونی به طرف جهت‌گیری مذهبی درونی می‌رود و چنین نیست که افراد جهت‌گیری درونی یا بیرونی صرف داشته باشند (۱۸).

آموزه‌های دینی مشحون از توصیه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری برای تامین همه جانبه نظام خانواده است. مجموعه تعالیم اسلامی در مورد خانواده ما را به نظامی رهنمون می‌کند که شاخصهای کارآمدی را در بر دارد و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی خانواده است (۱۹). اگر اعضای خانواده مخصوصاً والدین از باورهای دینی مستحکم برخوردار باشند؛ می‌توان انتظار داشت که این امر در تحکیم روابط خانواده اثر فراوانی داشته باشد و برعکس، بی‌بهره ماندن خانواده از این باورها، احتمالاً مشکلات متعددی را در پی دارد که در یک عبارت مفید و مختصر، از آن به زندگی تنگ و سخت یاد شده است (۲۰). قدر مسلم اعضای خانواده‌ای که آرامش نداشته باشند، نمی‌توانند ارتباط خوبی هم با هم داشته باشند؛ زیرا اولین جوانه‌های ارتباط بین انسانها در حریم خانواده پدیدار می‌گردد و در سایر بخشهای جامعه توسعه می‌یابد. به باور برخی نویسندگان، روابط خوب و آرامش بخش اعضای خانواده با یکدیگر، با بستگان، با اعضای جامعه، و مهمتر از همه با خدای متعال، مناسبترین بستر رشد و شکوفایی و کارآمدی خانواده را فراهم می‌سازد (۲۱). در این زمینه، اسلام مسؤولیت‌های مهمی را برعهده تک تک اعضای خانواده و به ویژه پدر، قرار داده است. به عنوان نمونه، پدر در اندیشه‌های تربیتی اسلامی، مسؤول رشد، هدایت، تامین سعادت فرزندان، اصلاح وضع آنها، جهت دادن فرزندان به سوی خیر و نیکی، تهذیب و هدایت اخلاقی فرزندان، ایجاد روحیه مقاومت

جهان است (۹). جوادی آملی، دین را مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی می‌داند که هم به اصول فکری بشر نظم می‌دهد و هم درباره اصولگرایی وی سخن می‌گوید و هم اخلاق و شوؤون زندگی او را تحت پوشش قرار می‌دهد (۱۰). از آن جا که در پژوهش حاضر، جهت‌گیری دینی با تأکید بر تعالیم و اصول دین اسلام مورد نظر است، در یک جمع‌بندی اجمالی از نظر اندیشمندان اسلامی می‌توان این تعریف را برای دین پذیرفت که دین، مجموعه حقایقی هماهنگ و متناسب از نظام‌های فکری (عقاید و معارف)، نظام ارزشی (قوانین و احکام) و نظام پرورشی (دستورهای اخلاقی و اجتماعی) است که در قلمرو ابعاد فردی، اجتماعی و تاریخی از جانب پروردگار متعال برای سرپرستی و هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال می‌گردد (۱۱).

مقوله دین از دیرباز توجه صاحب‌نظران و متخصصان حوزه‌های مختلف علوم انسانی را به خود جلب کرد و روانشناسی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. مثلاً فروید دین را تکرار تجربه کودکی می‌داند و بر آن است که کودک با اتکا به پدر خود و ستایش و ترس از او می‌تواند با ترس‌ها و نا امنی‌های درونی و بیرونی خود مقابله نماید، به همین منوال در بزرگسالی از طریق اعتقاد دینی با نیروهای خطرناک پیرامون خود به مقابله برمی‌خیزد. نتیجه اینکه، فروید، دین را با تشویش‌های عصبی مقایسه کرده آن را یک بیماری عصبی جمعی تلقی می‌کند (۱۲). یونگ با برداشتی پدیدارشناسانه تعریفی را ارائه می‌دهد که بسیاری از فلاسفه و حکمای الهی با آن هم داستان هستند: جوهر تجربه دینی، تسلیم و تمکین در برابر نیروهایی است که نسبت به ما برتری دارند. یونگ پس از تعریف تجربه دینی به عنوان حالتی از سلطه نیروی خارجی بر ما، به تعبیر و تفسیر ناخودآگاه جمعی می‌پردازد و بر آن است که ناخودآگاه جمعی به مفهوم دین نزدیک است (۱۲). جیمز با تأکید بر بعد شخصی مذهب، آن را تأثرات، احساسات و رویدادهایی می‌داند که برای هر انسان در عالم تنهایی و دور از همه تعلقات روی می‌دهد. به گونه‌ای که بین او و آن چیزی که آن را امر مقدس و متعالی می‌نامد، رابطه‌ای برقرار شود (۱۳). از نظر روان‌شناسان وجودگرا، به ویژه فرانکل، دینداری امری ناهشیار یا نوعی رابطه پنهانی با جهان متعالی در نظر همه انسان‌ها است و این ناهشیار معنوی مشخص را می‌توان «خدا» نامید؛ دینداری «ابتدایی» یا «فطری» در بسیاری از مردم به صورت ناهشیار وجود دارد و امروزه سرکوب شده است که نتیجه آن احساس پوچی، بی‌معنایی و بیهودگی روزافزون است (۱۴). آلپورت از جهت‌گیری مذهبی و دینی سخن به میان آورده است (۱۵). وی جهت‌گیری دینی را اعتقادات مذهبی که ما در زندگی شخصی خود داریم، می‌داند و از دو نوع جهت‌گیری مذهبی، شامل جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی سخن می‌گوید. افرادی که دارای

در برابر سختی‌ها و به تعبیری تاب‌آوری در فرزندان، هموار کردن راه زندگی برای آنان، آموختن ادب و وقار در زندگی به آنان و در نهایت مسؤول پرهیز دادن فرزندان از انحراف و کجروی است (۲۲). به طور کلی زحماتی که پدر متقبل می‌شود از یک سوء وظیفه دینی و از سوی دیگر وظیفه اخلاقی او است. از قول پیامبر اسلام بیان شده است که: تلاش برای خانواده، پاداش مجاهد نستوه در حال جهاد را به دنبال دارد (۲۳). دین اسلام تربیت خانواده را در گرو همت سرپرست خانواده؛ یعنی پدر می‌داند. در تفسیر آیه ششم از سوره تحریم، گفته شده است تنها تأمین هزینه زندگی، تهیه مسکن و تغذیه، وظیفه مردان نیست؛ بلکه مهمتر از آنها تغذیه روح و جان اعضای خانواده است که اصول تربیتی و اسلامی در آن مراعات شود (۲۴). نقش پدر در انتقال ارزشها به فرزندان (بویژه نوجوانان) از جانب پژوهش‌های میدانی و مبتنی بر شواهد تجربی نیز حمایت شده است (۲۵). می‌توان تربیت دینی و اعتقادی را نیز در همین چارچوب مطرح کرد. فرزندان خانواده‌ای که تربیت دینی در آن قوی باشد، به یک نگرش اصلی و عمیق از ایمان و باورهای دینی می‌رسند که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر ابعاد شخصیت فرد مانند هدف و معنای زندگی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی و دیدگاه‌های فرد نسبت به شغل، ازدواج، تحصیل و حتی جنبه‌های جزئی‌تری مانند تفریحات، علایق و ترجیحات رفتاری در زندگی اثر می‌گذارد و این خود ضامن استحکام و تعادل خانواده می‌شود (۲۶).

دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و برای به سامان رساندن امر تربیت (به خصوص در حوزه اعتقادات و معارف) به هم وابسته هستند. مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزشها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی خانوادگی را متاثر سازد و از سوی دیگر نگرش افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزشها و رفتارهای مذهبی به نسلهای دیگر را شکل می‌دهد. از این رو، رابطه مذهب، خانواده و سلامت را می‌توان یک رابطه اثرگذار و اثرپذیر در نظر گرفت (۲۷). برگین نتیجه می‌گیرد که مذهب درونی (نهادینه) شده با ویژگی‌های مثبت، فراوانی و از آن جمله، توانایی ارتباط سالم در بین اعضای خانواده، همبستگی دارد (۲۸). عقاید و مناسک دینی والدین به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق ارتباط مناسب با فرزندان در محیط خانواده بر سلامت روانی فرزندان تأثیر می‌گذارد (۲۹). کال و هیتون به این نتیجه رسیدند که از بین ابعاد مختلف دینداری، حضور در مکانهای مذهبی بیشترین رابطه را با ارتباط سالم در خانواده و ثبات زناشویی دارد (۳۰). فیینی و نالر نشان دادند افرادی که در زندگی خانوادگی رضایت زناشویی بالایی داشته و قادر به ایجاد ارتباط موثر در خانواده هستند (۳۱).

بن‌هارون بر آن است که رابطه قوی و مهمی بین کیفیت روابط

در برابر سختی‌ها و به تعبیری تاب‌آوری در فرزندان، هموار کردن راه زندگی برای آنان، آموختن ادب و وقار در زندگی به آنان و در نهایت مسؤول پرهیز دادن فرزندان از انحراف و کجروی است (۲۲). به طور کلی زحماتی که پدر متقبل می‌شود از یک سوء وظیفه دینی و از سوی دیگر وظیفه اخلاقی او است. از قول پیامبر اسلام بیان شده است که: تلاش برای خانواده، پاداش مجاهد نستوه در حال جهاد را به دنبال دارد (۲۳). دین اسلام تربیت خانواده را در گرو همت سرپرست خانواده؛ یعنی پدر می‌داند. در تفسیر آیه ششم از سوره تحریم، گفته شده است تنها تأمین هزینه زندگی، تهیه مسکن و تغذیه، وظیفه مردان نیست؛ بلکه مهمتر از آنها تغذیه روح و جان اعضای خانواده است که اصول تربیتی و اسلامی در آن مراعات شود (۲۴). نقش پدر در انتقال ارزشها به فرزندان (بویژه نوجوانان) از جانب پژوهش‌های میدانی و مبتنی بر شواهد تجربی نیز حمایت شده است (۲۵). می‌توان تربیت دینی و اعتقادی را نیز در همین چارچوب مطرح کرد. فرزندان خانواده‌ای که تربیت دینی در آن قوی باشد، به یک نگرش اصلی و عمیق از ایمان و باورهای دینی می‌رسند که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر ابعاد شخصیت فرد مانند هدف و معنای زندگی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی و دیدگاه‌های فرد نسبت به شغل، ازدواج، تحصیل و حتی جنبه‌های جزئی‌تری مانند تفریحات، علایق و ترجیحات رفتاری در زندگی اثر می‌گذارد و این خود ضامن استحکام و تعادل خانواده می‌شود (۲۶).

روش بررسی

تحقیق حاضر از نوع همبستگی است. جامعه‌آماری این پژوهش شامل همه دانش‌آموزان دبیرستانی بود که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در شهر آباد استان فارس به تحصیل اشتغال داشتند. علاوه بر دانش‌آموزان، پدران آنها را هم می‌توان جزو جامعه آماری دانست. نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۷۰ دانش‌آموز که در کلاس‌های اول، دوم و سوم دبیرستان درس می‌خواندند. این تعداد براساس تعداد کل جامعه آماری که حدوداً ۲۴۰۰ نفر می‌باشند و با توجه به جدول پیشنهادی کرج‌سیو مورگان که برای جامعه‌ای با حجم مذکور، نمونه‌ای ۲۸۴ نفری را پیشنهاد می‌کنند (۳۴)، در نظر گرفته شد. برای انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد. به این صورت که ابتدا از بین ۹ دبیرستان موجود در این شهرستان، ۴ دبیرستان و از بین کلاس‌های موجود در هر دبیرستان ۳ کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند. کلیه دانش‌آموزان حاضر در کلاس‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. مقیاس جهت‌گیری دینی که باید

مذهبی ۰/۸۸ به دست آورده است (۱۳). در پژوهش حاضر، ضریب پایایی از طریق آلفا برای زیر مقیاس عقاید و مناسک ۰/۸۲ و زیر مقیاس اخلاق ۰/۶۰ و در مجموع جهت‌گیری مذهبی ۰/۸۵ به دست آمده است. مقیاس الگوهای ارتباطات خانواده توسط کوئرنر و فیتزپاتریک تهیه و تحت عنوان ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده منتشر شده است و به عقیده سازندگان آن، از روایی مناسب برخوردار است (۳۶). همچنین، مطالعاتی که از این ابزار استفاده کردند، نشان دادند که بین ابعاد این ابزار و مفاهیم دیگر همبستگی‌هایی که از لحاظ نظری قابل پیش‌بینی است، وجود دارد (۳۶). این مقیاس که یک ابزار خودگزارشی است و در فرهنگ ایرانی، نخستین بار توسط رحیمی مورد استفاده واقع شده است، شامل ۲۷ گزاره درباره وضعیت ارتباطات خانوادگی است. پاسخگو، میزان موافقت یا عدم موافقت خود را در دامنه‌ای ۵ درجه‌ای، مشتمل بر «کاملاً موافقم» معادل نمره ۴، تا «کاملاً مخالفم» معادل نمره صفر مشخص می‌کند (۳۷). در این مقیاس، ۱۵ گزاره اول مربوط به بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۲ گزاره بعدی مربوط به بعد جهت‌گیری هم‌نوایی می‌باشد. بنابراین، هر آزمودنی دو نمره از این ابزار به دست می‌آورد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی استنباط می‌کند در خانواده او جهت‌گیری گفت و شنود یا هم‌نوایی بیشتری وجود دارد. رحیمی، ضریب همبستگی عوامل جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی با نمره کل را به ترتیب برابر با ۰/۷۵ و ۰/۴۴ گزارش کرده است. مقدار آلفای کرونباخ به عنوان شاخص پایایی در پژوهش رحیمی برای جهت‌گیری گفت و شنود ۰/۸۹ و برای جهت‌گیری هم‌نوایی ۰/۷۹ و کل مقیاس ۰/۸۱ گزارش شده است (۳۷). در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی برای زیر مقیاس گفت و شنود ۰/۸۶ و زیر مقیاس هم‌نوایی ۰/۸۱ و در مجموع، الگوهای ارتباطی خانواده ۰/۷۶ به دست آمد که مؤید همسانی درونی قابل قبول این آزمون می‌باشد.

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی متغیر ادراک دانش‌آموزان دبیرستانی از الگوهای ارتباطی خانواده و جهت‌گیری مذهبی پدران آنها، به تفکیک گروه‌های جنسیتی در جدول شماره ۱ آورده شده است.

توسط پدران دانش‌آموزان تکمیل می‌شد از طریق در اختیار آنان قرار گرفت و بعد از تکمیل برگردانده شدند. در پایان کار جمع‌آوری اطلاعات، ده مورد از پرسشنامه‌ها به علت مخدوش بودن پاسخهای دانش‌آموزان یا پدرانشان کنار گذاشته شدند. از ۳۶۰ مقیاس باقیمانده ۱۸۲، مقیاس متعلق به پسران و ۱۷۸ عدد متعلق به دختران بودند.

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از دو مقیاس «جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام» و «الگوهای ارتباطات خانواده» استفاده شد که مشخصات آنها در ادامه ارائه شده است. برای سنجش جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) از مقیاس جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام استفاده شد (۳۵). طبق اظهار مؤلف، این آزمون با توجه به آموزه‌های اسلام و با محوریت موضوع ایمان و توصیف ویژگی‌های افراد مومن و بر اساس آیات و روایات و مفاهیم قرآن کریم طراحی شده است. فرم اولیه پرسشنامه شامل ۹۰ سوال بوده که توسط سازندگان دو بار مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفت و در نهایت، فرم نهایی آن شامل ۶۶ سوال می‌باشد. روایی محتوای آزمون اولیه توسط استادان و صاحب‌نظران حوزه علمیه قم گزارش شده است. علاوه بر این، با روش تمایز گروه‌های شناخته شده، روایی سنجی توسط آذربایجانی انجام گرفت که نتایج حاکی، از تمایز گروه‌ها بوده است (۳۵). این آزمون مشتمل بر دو زیر مقیاس بوده که عقاید- مناسک و اخلاقیات را می‌سنجد. آزمون مذکور توسط هاشمی مورد استفاده واقع شده است (۱۳). وی روایی پرسشنامه را از طریق تحلیل عامل مورد بررسی قرار داده و ۱۸ سوال آن را به دلیل پایین بودن بار عاملی و ۱۰ سوال را به دلیل تداخل گویه‌ها در چند عامل حذف کرده است و در نهایت فرم ۳۸ سوال را مناسب تشخیص داده است که ۲۷ سوال آن مربوط به عامل عقاید و مناسک و ۱۱ سوال آن مربوط به عامل اخلاق می‌باشد. در پژوهش حاضر از این فرم استفاده شد. پاسخگویی به این آزمون بر اساس طیف لیکرتی ۴ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم می‌باشد. هاشمی روایی این آزمون را از طریق تحلیل عامل مورد بررسی و محاسبه قرار داده است (۱۳). در ارتباط با پایایی این مقیاس، آذربایجانی با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی زیر مقیاس عقاید- مناسک را ۰/۹۵ و زیر مقیاس اخلاق را ۰/۷۹ همچنین در مجموع پایایی آزمون ۰/۶۶ سوالی را با عنوان جهت‌گیری های مذهبی اسلامی ۰/۸۴ گزارش کرده است (۳۵). هاشمی پایایی این آزمون را از طریق آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار داد که برای زیر مقیاس عقاید و مناسک ۰/۹۰ و زیر مقیاس اخلاق ۰/۶۷ و در مجموع جهت‌گیری

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی نمرات متغیرهای پژوهش

گروهها						خرده مقیاسها	متغیرها
کل		پسر (n=۱۸۲)		دختر (n=۱۷۸)			
SD	M	SD	M	SD	M		
۱۱/۵۴	۳۷/۱۶	۱۰/۵۶	۳۷/۷۶	۱۲/۳۹	۳۶/۵۵	گفت و شنود	
۹/۵۶	۲۲/۴۶	۹/۱۳	۲۲/۸۰	۹/۹۹	۲۲/۱۱	همنوایی	الگوهای ارتباطی
۱۳/۵۲	۱۲۰	۱۳/۸۱	۶۰/۵۵	۳۱/۱۲	۵۸/۶۶	نمره کل	
۱۱/۱۹	۸۷/۳۰	۶/۲۴	۷۹/۱	۶/۶۷	۷۸/۷۴	عقاید	جهت‌گیری
۳/۵۹	۳۲/۶۹	۳	۳۱/۷۱	۱۲/۳۹	۳۱/۵۲	اخلاق	مذهبی پدر
۱۳/۳	۱۱۹/۸	۱۳/۱۵	۱۲۰/۴۳	۱۳/۵۵	۱۱۹/۵۶	نمره کل	

که توسط دانش‌آموزان گزارش شده، در جدول شماره ۲ ماتریس همبستگی ساده بین متغیرها آورده شده است.

به منظور آشکارتر شدن رابطه بین متغیرهای پژوهش شامل جهت‌گیری مذهبی پدر (همچنین ابعاد عقاید/ مناسک و اخلاق در این متغیر) و الگوهای ارتباطی موجود در خانواده (و ابعاد آن)

جدول (۲): ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- بعد عقاید و مناسک					
۲- بعد اخلاق	۰/۲۰*				
۳- جهت‌گیری دینی	۰/۴۵*	۰/۱۰			
۴- بعد گفت و شنود	۰/۲۲*	۰/۱۶*	۰/۳۶*	۱	
۵- بعد همنوایی	۰/۶۹*	۰/۷۱*	۰/۱۹*	۰/۱۰	۱
۶- الگوهای ارتباطی	۰/۲۴*	۰/۲۰*	۰/۲۲*	۰/۷۱*	۰/۵۴*

* $p < 0.01$

چندگانه به روش همزمان استفاده شد. خلاصه نتایج این تحلیل در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

برای بررسی پیش‌بینی ادراک فرزندان از الگوهای ارتباط خانواده بر اساس جهت‌گیری دینی پدر از تحلیل رگرسیون

جدول (۳): پیش‌بینی نمره ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده بر اساس نمره جهت‌گیری دینی پدر

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	F	R	R ²	β	T	p-value
جهت‌گیری دینی	الگوهای ارتباطی	۲۱/۱۷	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۲۳	۴/۶۶	۰/۰۰۰۱

تحلیل رگرسیونی دیگری انجام شد تا معلوم شود آیا ابعاد عقاید و اخلاق (درجهت‌گیری دینی پدر) نیز می‌توانند ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی کنند. خلاصه نتایج این تحلیل نیز در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

همانطور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد با توجه به جهت‌گیری دینی پدر می‌توان به پیش‌بینی ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده مبادرت کرد ($\beta = 0.23, P < 0.0001$). مقدار R^2 نیز بیانگر آن است که ۵٪ از کل واریانس ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده توسط جهت‌گیری دینی پدر تبیین می‌شود.

جدول (۴): پیش‌بینی نمره ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده بر اساس ابعاد جهت‌گیری دینی پدر

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	R	R ²	β	T	p-value
بعد عقاید	الگوهای ارتباطی	۱۴/۴۳	۰/۲۷	۰/۰۷۵	۰/۳۱	۵/۱۲	۰/۰۰۰۱
بعد اخلاق	الگوهای ارتباطی				۰/۰۲	۰/۵۰	N.S.

بدان معناست که ۷٪ از واریانس ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده توسط بعد عقاید در جهت‌گیری دینی پدر تبیین می‌شود.

با توجه به جدول شماره ۴، بعد عقاید و مناسک از جهت‌گیری دینی پدر قادر به پیش‌بینی ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده می‌باشد ($\beta = 0.27, P < 0.0001$)، ولی بعد اخلاق در جهت‌گیری دینی پدر نمی‌تواند پیش‌بینی کننده معنی‌داری برای این متغیر باشد (N.S. و $\beta = 0.02$). در این معادله مقدار R^2

در راستای پاسخگویی به این سؤال که آیا براساس جهت‌گیری دینی پدر، می‌توان ادراک فرزندان از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی کرد، در یک تحلیل رگرسیونی، بعد گفت و

شوند از الگوهای ارتباطی خانواده، به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیونی وارد شده که این رگرسیون معنی دار بود ($F=54/30$ و $P<0/0001$). خلاصه نتایج این تحلیل در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

شوند از الگوهای ارتباطی خانواده، به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیونی وارد شده که این رگرسیون معنی دار بود

جدول (۵): پیش‌بینی نمره ادراک فرزندان از میزان گفت و شنود خانواده بر اساس نمره جهت‌گیری دینی پدر

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	F	R	R2	β	T	P
جهت‌گیری دینی	گفت و شنود	54/30	0/36	0/13	0/36	7/36	0/0001

در ادامه، و باز هم در راستای پاسخگویی به این سؤال که آیا بر اساس جهت‌گیری دینی پدر، می‌توان ادراک فرزندان از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی کرد، در تحلیل دیگری، بعد هم‌نوایی از الگوهای ارتباطی خانواده، به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. نگاهی به ماتریس همبستگی در جدول شماره ۲ حکایت از آن دارد که رابطه همبستگی ساده بین دو متغیر معنی‌دار نیست ($t=0/10$ ، N.S.). در سوال دیگر پژوهش حاضر چنین مطرح شده بود که آیا بر اساس ابعاد جهت‌گیری دینی پدر (عقاید/ مناسک و اخلاق)، می‌توان ادراک فرزندان از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی کرد؟ برای بررسی پاسخ این سؤال و با در نظر گرفتن بُعد هم‌نوایی الگوهای ارتباطی خانواده، به عنوان متغیر ملاک، تحلیل رگرسیون انجام شد. جدول شماره ۲ خلاصه نتایج دو تحلیل رگرسیونی اخیر را نشان می‌دهد.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول ۵، جهت‌گیری دینی پدر به نحو معنی‌داری ادراک فرزندان از بعد گفت و شنود در الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی می‌کند ($P<0/0001$ ، $\beta=0/27$). نتایج مندرج در جدول یاد شده نشان می‌دهد که ۱۳٪ واریانس این متغیر از طریق جهت‌گیری دینی پدر قابل تبیین است.

در تحلیل مشابهی، ولی با در نظر گرفتن ابعاد جهت‌گیری دینی پدر به عنوان متغیر پیش بین و به منظور بررسی اینکه از میان دو بعد عقاید/ مناسک و اخلاق (از جهت‌گیری دینی پدر) کدامیک پیش‌بینی‌کننده قویتری برای ادراک فرزندان از بعد گفت و شنود (در الگوهای ارتباطی خانواده) است؛ نتایج نشان داد که بعد عقاید/ مناسک در مقایسه با بعد اخلاق، ضریب پیش‌بینی قوی‌تری را در معادله به خود اختصاص می‌دهد.

جدول (۶): پیش‌بینی بُعد گفت‌و‌شنود از الگوهای ارتباطی خانواده بر اساس ابعاد جهت‌گیری دینی پدر

متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک	F	R	R2	β	T	p-value
بُعد عقاید	گفت و شنود	27/17	0/36	0/13	0/31	5/37	0/0001
بُعد اخلاق	گفت و شنود				0/07	1/22	N.S.
بُعد عقاید	هم‌نوایی	6/76	0/19	0/04	0/058	-0/93	N.S.
بُعد اخلاق	هم‌نوایی				0/21	3/47	0/0001

به منظور پاسخگویی به این سؤال پژوهش که آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر، از نظر ادراک آنها از الگوهای ارتباطی خانواده، تفاوت معنی‌داری وجود دارد، از آزمون آماری تی برای گروههای مستقل استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که تفاوت دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر نمرات الگوهای ارتباطی خانواده معنادار نبود (N.S. و $t=0/61$).

بحث و نتیجه‌گیری

زندگی خانوادگی به لحاظ اهمیت و کارکردهای مختلف مورد توجه علمای مذهبی، اخلاقی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار گرفته است (۳۸) و شناخت عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردند؛ وجهه همت بسیاری از پژوهش‌های عالمانه بوده است. پژوهش

با توجه به نتایج درج شده در جدول شماره ۶ بعد عقاید و مناسک قادر به پیش‌بینی بُعد گفت و شنود الگوهای ارتباطی خانواده می‌باشد ($P<0/0001$ ، $\beta=0/31$) و لی بعد اخلاق این متغیر را پیش‌بینی نمی‌کند (N.S.، $\beta=0/07$). در این تحلیل، ۱۳٪ از واریانس ادراک فرزندان از بعد گفت و شنود الگوهای ارتباطی خانواده توسط ابعاد عقاید/ مناسک و اخلاق تبیین می‌شود. همچنین، مندرجات جدول ۶ بیانگر آن است که فقط بُعد اخلاق از جهت‌گیری دینی پدر قادر به پیش‌بینی ادراک فرزندان از بعد هم‌نوایی الگوهای ارتباطی خانواده می‌باشد ($P<0/0001$ ، $\beta=0/21$) و بعد عقاید/ مناسک پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای متغیر یاد شده نیست (N.S. و $\beta=0/06$). همچنین، ۴٪ از واریانس کل ادراک فرزندان از بعد هم‌نوایی الگوهای ارتباطی خانواده توسط ابعاد جهت‌گیری دینی پدر تبیین می‌شود.

گفت والدینی که باورها و اعتقادات مذهبی دارند در مورد افکار و احساسات و انگیزه‌ها و عواطف خود، آزادانه با فرزندان خود در میان می‌گذارند و آنان را نیز تشویق به بحث و تبادل نظر می‌کنند (۲۲).

بررسی امکان پیش‌بینی بعد گفت و شنود بر اساس ابعاد جهت‌گیری دینی نشان داد که هماهنگی با نتایج پیش‌گفته، فقط بعد عقاید در جهت‌گیری دینی پدر، پیش‌بینی‌کننده معنی‌دار ادراک دانش‌آموزان از بعد گفت و شنود در الگوهای ارتباطی خانواده است که استدلال مشابهی را می‌توان مطرح کرد. همچنین، این یافته با پژوهش ماهونی (۴۵) و برلسفورد و ماهونی (۴۶) همسو است. به نظر محققان مذکور، عقاید و مناسک مذهبی می‌تواند دیدگاه فکری افراد را تحت تأثیر قرار دهد و احتمال این که افراد مذهبی‌تر در روابط خود با اعضای خانواده به کیفیت معنوی روابط بیشتر ببینند، زیاد است و همین باعث شده که هنگام گفت و شنود با اعضای خانواده به محتوای معنوی گفت و شنود توجه کنند، به حقوق دیگران احترام زیاد بگذارند، فرزندان در روابط خود با والدین احساس رضایت بیشتری داشته باشند، و سعی در حفاظت از زندگی خانوادگی خود دارند.

در بررسی امکان پیش‌بینی بعد هم‌نوایی (در الگوی ارتباطی خانواده) براساس جهت‌گیری مذهبی و نیز ابعاد آن مشخص شد که نمره کلی جهت‌گیری مذهبی با بعد هم‌نوایی رابطه معنی‌داری ندارد و در مورد ابعاد هم فقط بعد اخلاق از جهت‌گیری دینی پدر به صورت مثبت پیش‌بینی‌کننده مثبت ادراک فرزندان از بعد هم‌نوایی الگوهای ارتباطی خانواده است. به طور کلی اعتقادات عمیق و اصیل مذهبی و اسلامی با سکوت و پذیرش بی‌چون و چرای نظر دیگران در تعاملات اجتماعی توافق ندارند. هم‌نوایی و ارتباط آن با بعد اخلاق در جهت‌گیری مذهبی نیز با یافته‌های پژوهش کاباریک (۴۳) و نیز گرنکوئیست (۴۴) هماهنگ است. آنان نشان داده‌اند فرزندان که در خانواده‌های مذهبی به دنیا آمده‌اند به علت فرامن قوی که دارند رشد یافته‌تر، با وجدان‌تر و پاسخگوتر هستند و تصور آنان از خدا قوی‌تر است و همه این عوامل باعث شده تا در رعایت مسایل اخلاقی با خانواده خود هم‌نوایی کرده و به رعایت اصول اخلاقی پایبند باشند. اما عقاید و باورهای ما در مورد خداوند قابل تغییر است و از عواملی که در این تغییرات موثر است می‌توان به جو خانوادگی، آموزشهای پیش‌رونده مفاهیم و معارف دینی ارائه شده از طرف خانواده، اماکن و موسسات اشاره کرد. بنابراین، در داشتن عقاید و باورها در مورد خدا باید فرد به اصیل بودن و قطعیت آنان ایمان آورد و نمی‌توان از طریق هم‌نوایی با خانواده این ارزشها را پذیرفت.

سوال آخر این پژوهش، متغیر جنسیت را در الگوی ارتباطی خانواده در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل

حاضر نیز در چنین بستری با هدف بررسی رابطه جهت‌گیری دینی پدر و ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطات خانواده انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر که در ادامه به بحث گذاشته شده‌اند، می‌تواند گامی هر چند کوچک در راستای تلاش برای فهم هر چه بیشتر عوامل پیش‌بیننده استحکام نهاد خانواده در پرتو تربیت دینی تلقی شوند.

اولین یافته به امکان پیش‌بینی ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده با توجه به جهت‌گیری دینی پدر، اشاره دارد که با نتایج پژوهشهای ویسمه (۳۹)، گورسوج و اسمیت (۴۰) و برگین (۲۸) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان استدلال کرد که دین اسلام مجموعه تعالیم مدونی را برای نظام خانواده در نظر گرفته است و به همه نیازهای خانواده توجه دارد تا خانواده بتواند انسان‌های سالم را در کانون خود پرورش دهد. یکی از عوامل مهم برای رسیدن به این خواسته ارتباط سازنده در خانواده است. پدر به عنوان سرپرست و هدایت‌کننده رفتار فرزندان زمانی که از جهت‌گیری دینی درونی قوی برخوردار باشد با توجه به اعتقادات خود بهتر می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط در کانون خانواده باشد. البته انجام پژوهشهایی برای سنجش صحت ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی، که مبنای استدلال حاضر است، می‌تواند به اعتبار یافته‌هایی از این دست بیافزاید.

در بررسی بیشتر معلوم شد که از ابعاد جهت‌گیری دینی پدر، فقط بعد عقاید پیش‌بینی‌کننده معنی‌دار ادراک فرزندان از الگوهای ارتباطی خانواده است و این مطلب در مورد بعد اخلاق صادق نیست. عقاید از آن جهت که زیربنای اعمال انسان قرار می‌گیرند، با وضوح بیشتری در رفتار و تعاملات اجتماعی تجلی پیدا می‌کند؛ ولی اخلاقیات (به ویژه در آموزه‌های اسلامی) بیشتر با عالم درون فردی و خصوصی در رابطه هستند. بررسی گویه‌های مربوط به بعد اخلاق در آزمون جهت‌گیری مذهبی موید این مطلب و بیانگر تأکید محتوای این بعد بر جنبه‌های فردی و خصوصی دینداری است؛ در حالیکه ارتباطات خانوادگی بنیان اجتماعی دارد. این یافته با پژوهشهای کال و هیتون (۳۰) و مامازندی (۴۱) همسو می‌باشد که نشان داده‌اند جنبه‌های اعتقادی و عملی نگرش مذهبی بر ارتباط موثر و مناسب با اعضای خانواده اثر مثبت دارد.

تحلیل‌های انجام شده برای پاسخگویی به این سؤال که آیا براساس جهت‌گیری دینی پدر می‌توان ادراک فرزندان از بعد گفت و شنود الگوهای ارتباطی خانواده را پیش‌بینی کرد، نشان داد که جهت‌گیری دینی پدر، ادراک فرزندان از بعد گفت و شنود الگوهای ارتباطی خانواده را به نحو مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. یافته مذکور ضمن اینکه نشان‌دهنده هماهنگی در کلیت یافته‌های این پژوهش است، با پژوهشهای جلیلونند (۴۲)، کوئینگ، الزابین و خلیفه (۲۷)، کاباریک (۴۳)، و گرنکوئیست (۴۴) نیز همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان

از این پژوهش که حکایت از نبود تفاوت معنی‌دار بین دختران و پسران بود؛ با تحقیق فلدمن و گهرینک (۴۷) و حسینچاری و دلاورپور (۴۸)، همسو بود. در مورد دلیل احتمالی این عدم تفاوت می‌توان گفت زمانی که پدر در محیط خانواده با هر دو جنس الگوی ارتباطی مناسب داشته باشد، داشتن عملکرد یکسان در زمینه ارتباط از نظر فرزندان (اعم از دختر و پسر) امری طبیعی خواهد بود.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند متضمن پیشنهاداتی در جنبه‌های نظری و عملی باشد. با توجه به این که پژوهش در حوزه‌ی جهت‌گیری دینی و اسلامی بیش از یک دهه است که در کشور آغاز شده است، انجام پژوهش‌های از این دست، با تأکید بر متغیرهایی در سطح خرد، می‌تواند بدنه‌ی علمی موجود را غنای بیشتری ببخشد. در قلمرو عمل، یافته‌های این پژوهش می‌تواند بر آگاهی بیشتر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت از نقش پدر، نوع جهت‌گیری مذهبی او و تاثیر آن بر نحوه ارتباط در کانون خانواده بیفزاید. از طرف دیگر، از آنجا که نوع الگوهای ارتباطی خانواده در رفتارهای اجتماعی، آموزشی و واکنش‌های عاطفی فرزندان تأثیر دارد، لازم است سعی شود تا بستر بهبود کیفیت ارتباطها چه در خانواده و چه در محیط آموزشی فراهم آید.

محدودیت‌های پژوهش حاضر از دو منظر درونی و اجرایی قابل بحث می‌باشند. در جریان پژوهش، اولین محدودیت مربوط به استفاده از پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده بود که ساخته شده در فرهنگ غیر بومی بود. محدودیت دیگر، استفاده از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی اسلامی به عنوان تنها ابزار سنجش جهت‌گیری مذهبی پدران می‌باشد. پژوهش حاضر تنها بر گزارش شخصی پدران استوار بود، احتمال دارد که اینگونه گزارش‌ها هم به واسطه فقدان یا کمبود اطلاعات افراد یا به واسطه نتایج قابل انتظار مثبت یا منفی که هنجارهای جامعه ایجاد می‌کند، سوگیری داشته باشد. تحقیق حاضر از نوع همبستگی بود، به همین دلیل استنباط علی از نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. در حوزه اجرا قابل ذکر است که آگاهی ناکافی مدیران واحدهای آموزشی، از اهمیت امر تحقیق طبیعتاً به عدم همکاری مناسب آنان در اجرای پژوهشها منجر می‌گردد. تکمیل پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی اسلامی توسط پدران در حالیکه بر روند تکمیل آن نظارت کافی وجود نداشته است، محدودیت دیگری است و این موضوع می‌تواند تأمل برانگیز باشد. عدم هم‌تاسازی آزمودنیها از لحاظ متغیرهای اثرگذار دیگر مثل سطح تحصیلات، میزان درآمد و وضعیت اشتغال پدران نیز نباید در پژوهشهای آتی از نظر دور بماند.

References:

1. Taheri H. A Journey in Family Issues. Tehran: Amirkabir Publicaton. 2009. [Persian]
2. Sigelman CK, Rider EI. Life-span Human Development, 7th ed. Belmont, CA: Wadsworth. 2012.
3. Farhangi A. Foundations of Human Communications. Tehran: Tehran Times Institute. 1994. [Persian]
4. Lengel RH, Daft RL. The Selection of Communication Media as an Executive Skill. Academy of Management Executive. 1988; 2(3): 225-32.
5. Koerner AF, Fitzpatrick MA. Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. Communication Yearbook. 2002; 26: 37-69.
6. Fitzpatrick MA. The Family Communication Patterns Theory: Observations on its Development and Application. The Journal of Family Communication. 2004;4: 164-179.
7. Fitzpatrick MA, Ritchie LD. Communication Schemata Within the Family: Multiple perspectives on Family Interaction. Human Communication Research. 2004; 22:510-543.
8. Bagheri M. Ethic and Islam. Howzeh & University Journal. 2007;36: 25-32. [Persian]
9. Tabatabaei S. Synopsis of Islam Teachings. Tehran: Ibn-e-Sina Publication. 2003. [Persian]
10. Javadi-e-Amoli A. Understanding Religion. Qom. 2002. [Persian]
11. Jamali A. Definitions of religion from Different Religions Scholars' Perspectives. Education. 2007;21:28-36. [Persian]
12. Nawabakhsh M, Pouryousefi H. The Role of Religion and Religious Beliefs in Mental Health. Religious Inquiry. 2006;14:27-40. [Persian]
13. Hashemi Z. The Relationship between Religious Orientations with Identity Dimensions and identity Styles: Shiraz University. 2006. [Persian]
14. Wulff DM. Psychology of Religion: Classic and Contemporary, 3rd ed. New York: John Wiley & Sons; 2003.
15. Allport GW. The Religious context of prejudice. Journal for the Scientific Study of Religion. 1967; 5(1): 447- 57.
16. Allport GW, Roos MG. Personal Religious Orientation and prejudice. Journal of Personality and Social Psychology. 1986; 5(2): 432-43.
17. Ventis L. The relationship between religion and mental health. Journal of Social Issues. 1995; 51: 33-48.
18. McCormick JM, Hoekman KP, Smith, D. Religious orientation and locus of control in an Australian open enrolment Christian school. Australian Association for Research in Education Annual Conference; 4-7 December; Sydney 2004.
19. Salarifar M. Family in Islam and Psychology. Qom: Howzeh & University Publication. 2006. [Persian]

20. Khoramshahi B. Translation of Holy Quran. Tehran: Nahid. 2007. [Persian]
21. Aghababaei N. Between you and God, where is the general factor of personality? Exploring personality-religion relationships in a Muslim context. *Personality and Individual Differences*. 2013; 55(2), 196-198.
22. Mohammadian, B. Again on Islam view about children rights. Tehran: Teachers-Parents Association. 2008. [Persian]
23. Bostan H. Islam and Sociology of Family. Qom: Howzeh & University Publication. 2004. [Persian]
24. Tabatabaei SM. Al-Mizan; Interpretation Of the Quran. 3rd ed. Tehran: Islamieh Publication. 2001. [Persian]
25. Roest AM, Dubas JS, Gerris JR. Value transmissions between parents and children: Gender and developmental phase as transmission belts. *Journal of Adolescence*. 2010; 33(1): 21-31.
26. Che Noh CH, Yusoooff F, Hasim MS. Communication patterns of Malaya families in Terengganu, Mayasia. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*. 2013; 102; 635-642.
27. Koenig HG, Al Zaben F, Khalifa DA. Religion, spirituality and mental health in the West and the Middle East. *Asian Journal of Psychiatry*. 2012; 5(2); 180-182.
28. Bergin AE. Psychotherapy and Religious values. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 1999; 48(1): 95-105.
29. Spilka B, Hood JRW, Hunsberger B, Gorsuch R. *The psychology of Religion*. 3rd ed. New York: The Guilford press. 2003.
30. Call VRA, Heaton TB. Religious Influence on Marital Stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 2007; 36(8): 382-92.
31. Feeney G, Noller P. Attachment Style and Verbal Description of Romantic Parents. *Journal of the Science and Engineering*. 2008; 8: 187-215.
32. Benharoon SY. Building a culture of peace in muslim community in southern Thailand through family commuunication. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*. 2013; 91; 522-531.
33. Motamedin M. The effect of cognitive-based copying strategies training on religious beliefs and marital satisfaction in couples who attend to Family clinic in Ahwaz city. Master Thesis. Ahwaz, Iran: Shahid Chamran University. 2007. [Persian]
34. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*. 1970; 30: 607-10.
35. Azarbajjani M. Religious orientation scale: Islamic version. *Howzeh & University Journal*. 2003; 29: 1-20. [Persian]
36. Koerner AF, Fitzpatrick MA. Toward a theory of family communication. *Communication Theory*. 2002; 12: 70-91.
37. Rahimi M. Investigatin the Relationship between Family Communication Pattern and Quality of Life. Master thesis. Shiraz University, Shiraz, Iran. 2007. [Persian]

38. Kumar S. Spirituality and religion in 21st century mental health: a glance at current schools of views and opinions. *European Psychiatry*. 2013;28(1), 1.
39. Vismeh A. Investigatin the Relationship between children's depression in Family and Fahters' type of war injury and fathers- children relationship pattern. Master thesis. Tehran University, Tehran, Iran. 2000. [Persian]
40. Gorsuch RL, Smith CS. Attribution of Responsibility to God: An Interaction of Religious Beliefs and Outcomes. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 1983; 22(4): 340-52.
41. Mamazandi Z. The effect of religious attitude and sensation seeking on Marital adjustment in Pakdasht high school teachers. Master thesis. Tehran, Iran: Shahid Beheshti University. 2008. [Persian]
42. Jalilvand M. investigatin the relationship of Prying with general temperament and social anxiety. *Islamic Azad University Journal*. 2008; 8: 20-9. [Persian]
43. Kuburic Z. Image of God in Religious Experience. *The Scientific Journal Universitatis, Series: philosophy and Sociology*. 1998; 1(5): 471-84.
44. Granqvist P. Religiousness and perceived childhood attachment: On the question of compensation or correspondence. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 1998; 37: 350-67.
45. Mahoney A. Religion and conflict in marital and parent-child relationship. *Journal of Social Issues*. 2005; 61(4): 689-706.
46. Brelsford GM, Mahoney A. Spiritual Disclosure Between Older Adolescents and Their Mothers. *Journal of Family Psychology*. 2008; 22(1): 62-70.
47. Feldman SS, Gehring TM. Changing perceptions of family relationships across adolescence. *Child Development*. 1988; 59: 1034-45.
48. Hosseinchari M, Delavarpour M. Do Shy Pepole Lack Communication Skills? *Iranian Psychologists Quarterly*. 2006;10:123-33.